



وفاق ملی را در رابطه صمیمی بین سه قوه حس می کنیم

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس جمهور در اولین نشست مشترک دولت و مجلس با اشاره به هماهنگی کم نظیر قوای سه گانه گفت: «از شروع به کار دولت چهاردهم، شعار «وفاق ملی» را در عمل با رابطه صمیمی بین سه قوه حس می کنیم.» وی تصریح کرد: «رئیس جمهور و رئیس مجلس شورای اسلامی در خصوص جلسات مشترک دو قوه با ترکیبی ثابت رابرتی ها و همفکری های لازم را داشته اند که باید این جلسات به صورت منظم برگزار شود و خوشحالیم اولین جلسه مشترک در سطحی بالا برگزار شده است.» وی ادامه داد: «دولت چهاردهم جلسات مشترکی نیز با قوه قضائیه برای حل مسائل و پیگیری مطالبات دارد و امیدواریم با هماهنگی مجلس مسئله مشترک و مهم ابلاغ و اجرای برنامه هفتم پیشرفت با قوت پیگیری و اجرایی شود.» عارف با بیان اینکه با هماهنگی، نگاه مشترک و پیگیری راهبردها در چنین جلسات مشترکی بسیاری از مسائل کشور قابل حل است، بر ضرورت تعامل وزرای دولت و نمایندگان مجلس تاکید کرد و گفت: «بخش های اقتصادی مجلس و دولت باید علاوه بر اجرای قانون برنامه هفتم پیشرفت بر روی مسئله مهم تدوین و تصویب بودجه سال آینده هماهنگی های لازم را در این جلسات مشترک به عمل آورند تا پیش بینی منابع و اصلاحات ضروری در این زمینه در فضایی صمیمی و همکاری انجام شود.»

برگزاری جشن ملی ایرانیان

فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت در مطلبی که در شبکه ایکس منتشر کرد از برگزاری جشن ملی ایرانیان به دستور رئیس جمهور خبر داد. در این مطلب آمده است: «در جلسه امروز هیئت دولت، به دستور رئیس جمهور مقرر شد جشن ملی به پاس دستاوردهای ارزشمند نخبان علمی و ورزشی کشور برگزار شود.» مهاجرانی افزوده است: «این جشن فرصتی برای شادمانی مردم و تجلی غرور ملی ایرانیان است. وزارتخانه های فرهنگ و ارشاد، علوم، ورزش، آموزش و پرورش، صداوسیما، استانداری ها و شهرداری ها مأمور شده اند تا با همکاری یکدیگر، زمینه حضور گسترده مردم در سراسر کشور را فراهم کنند.»

ادامه سرمقاله

زیرا به علت بی تصمیمی و ناتوانی مدیریت امور در تطبیق دادن خود با شرایط جدید، اعتماد و امید جامعه نسبت به سیاست های جاری برای بهبود شرایط در آینده از میان رفته است و در چنین وضعی اجرایی شدن سازوکار ماشه می تواند همان نقش چکاندن ماشه در جامعه را بازی کند. این تحلیل های امید بخش نه مردم که مسئولین را فریب داده و به امید واهی مبتلا می کند. جهت درک بهتر چند نمونه تاریخی را مرور می کنیم. یکی از مهمترین این تجربیات را در ماجرای چرنوبیل شاهد بودیم که، چگونه لاپوشانی واقعیت برای تترسیدن مردم موجب شد که هزاران نفر بیش از حد لازم در معرض پرتوهای ویرانگر قرار گیرند و حتی یکی از دلایل مهم فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی همین پنهان کاری چرنوبیل بود که با توجهات و بظاهر خیر خواهانه انجام شد.

خودمان نیز در ماجرای کرونا دچار همین مشکل شدیم. اتفاقا در این زمینه تجربه قبلی در پاندمی آنفلانزای اسپانیایی پس از جنگ اول جهانی وجود داشت و همه دانستند که پنهان کاری و سهل انگاری موجب شد که ده ها میلیون نفر در جهان تلف شوند. اگر در مورد کرونا هم چنین ناخبردانه عمل نمی کردیم امروز شاهد آن نبودیم که مرگ و میر واقعی و نه رسمی ناشی از کرونا به بالای ۴۰۰ هزار نفر رسیده باشد. عجیب ترین مورد در دهه اول قرن ۲۱ رخ داد. هنگامی که بحران اقتصادی کل جامعه آرتانتین را در بر گرفت. دولت آنها همه آمارهای تورم و بدهی خود را دستکاری کرد تا واقعیت را بپوشاند. سرمایه گذاران و مردم هم بی خیال زندگی خود را می کردند که به یکباره بحران ارزی و بدهی دولت فوران کرد و ورشکستگی بانک ها و شورش های مردم و سقوط چند رئیس جمهور و نابودی اعتماد عمومی دستاورد این پنهان کاری ها بود. از این نمونه ها زیاد است. اکنون در آستانه سفر رئیس جمهور به نیویورک نیاز داریم که واقعبات جامعه را خوب بازتاب دهیم. نه برای مردم که همه آن را تجربه کرده و می دانند، بلکه برای برخی از مسئولین محترم که بظاهر دچار کم اطلاعی اگر نگوییم بی اطلاعی شده اند.

کدام مسیر؟ کدام تئوری؟

مناظره احمد زیدآبادی و بیژن عبدالکریمی درباره وضعیت فعلی و آینده ایران



فرهاد فخرآبادی

خبرنگار گروه سیاست

پس از اینکه جبهه اصلاحات بیانیه ای را درباره وضعیت فعلی کشور منتشر کرد، بیژن عبدالکریمی در گفت وگویی به نقد این بیانیه پرداخت؛ موضوعی که منجر به این شد که احمد زیدآبادی درباره مسائل مطرح شده توسط عبدالکریمی نقدی را نوشته و اعلام کند که حاضر است با او مناظره کند. این دو نفر، چندی پیش با دعوت سایت حکمران پای میز مناظره نشستند و درباره وضعیت فعلی و آینده ایران حرف زدند. آنچه در زیر می خوانید، گزیده های از مهمترین محورهای عنوان شده در این مناظره است.

«چندی پیش، دکتر عبدالکریمی مصاحبه ای را با بی بی سی درباره بیانیه جبهه اصلاحات انجام دادند که دکتر زیدآبادی، یادداشتی کوتاه درباره نظرات دکتر عبدالکریمی نوشتند و اعلام کرد که آماده است با دکتر عبدالکریمی درباره این موضوع گفت وگو کند. آقای دکتر زیدآبادی، شرح تفصیلی یادداشت را بفرمایید.

زیدآبادی: تصور از آقای عبدالکریمی این است که یک تقریر، فهم یا تفسیری بسیار افراطی از نظام جهانی و مناسبات بین کشورها دارند که ما اگر بخواهیم آن را اجرا کنیم، باید در یک ستیز و جنگ دائمی به سر ببریم که نهایتاً تمام سرمایه های یک کشور به خطر بیفتد و تا نقطه نهایی دنبال شود و این را تحت عنوان گفتمان انقلاب و محور مقاومت مطرح می کنند. با زبانی که ایشان صحبت می کنند و نوع حرارتی که به خرج می دهند، من حتی فکر نمی کنم آن چیزی که تحت عنوان محور مقاومت مطرح شده، نسبتی با این نوع صحبت ها داشته باشد. من در حوزه خارجی روزنامه نگار بودم و بنابر شرایط کارم، با اینها صحبت می کردم. واقعیت این است که آنها با این شدتی که آقای عبدالکریمی صحبت می کند، چنین نگاهی نداشتند. آقای دکتر عبدالکریمی این است که اولاً چیزی که تقریر می کنید متناسب با وضعیت جهانی نیست. دوم اینکه آن نگاه «باید بخشی یا کشته شوی» به زبان انهایی است که ضعیف هستند، بعد هم زبانی که درباره بیانیه جبهه اصلاحات به کار می برند، به شدت ناعادلانه است. عبارت خیانت، یک راهی را باز می کند که هر کسی استراتژی، اندیشه و فکر یکی دیگر را نپسندد، فوراً یک مهر این چنینی بزند و جنگ همه علیه همه راه می افتد. از این جهت فکر کردم، صحبت هایی که ایشان می کنند بسیار قابل نقد است.

«آقای دکتر دو نکته داشتند، یکی اینکه می گویند شما تفکر افراطی درباره نظام بین الملل دارند و دوم اینکه لحن شما، لحن خیلی تند و تیز و همراه با برچسب بوده است.

عبدالکریمی: مسئله ما، مسئله کشور است، در شرایط خاصی هستیم و شرایط گل و بلبل نیستیم که بتوانیم بحث های نظری کنیم. خود احمد می پذیرد که، بیانه حتی اگر مفادش درست بود، خیلی بی موقع بود و این صرفاً یک بیانیه نبود، یک جریان بود. قبل از آن بیانیه ۱۸۰ اقتصاددان را داشتیم، بعد بیانیه مجموعه ای از NGO ها را داشتیم، بعد بیانیه آقای موسوی را داشتیم و بعد از آن هم که بیانیه ۸۰۰ نفر بود. من احساس کردم که این جریان، بسیار خطرناک است و تنها ابزار هم قلم و زبانم است. درست در زمانی که ما درگیر هستیم، اعلام می شود که رهبر سیاسی استعفا دهد، رفراندوم شود، متأسفانه فضای جامعه پاک نیست، نیروهای منفی بسیار وجود دارند. اراذل و اوباش به نام سلطنت طلب، مجاهدین خلق، وطن فروش های ایران اینترنشنال وجود دارند. ضرورت دارد که فضای جامعه را با خلق گفتنم پاک کنیم. من نماینده گفتنم هستم، نماینده حاکمیت نیستم. کنش گری چارچوب دارد، اینطور نیست که من فقط به نقد حاکمیت بپردازم، نقد حاکمیت باید در چارچوب باشد و دفاع از امر ملی در زمان جنگ، یکی از چارچوب هاست. خطر دیگر این است که یک نوع توهم و نااعتمادیت جامعه را گرفته است و این موضوع، سرزنش مشترک ما را به خطر می اندازد و این توهم فقط برای یک جناح نیست. آن کسی که می گوید ما کاخ سفید را

حسینیه می خوانیم، اگر توهم است؛ توهم مقابلش این است که تمام مشکلات تاریخی کشور را، همه را به ریش مقاومت می بندید و رویافروشی می کنی، یعنی فکر می کنی که الان اگر ما پای میز مذاکره برویم، با ترامپ دست بدهیم، فردا مشکل آب و برق حل می شود. این رویافروشی است. در کدام لکچر من گفته شده است که بکشید یا کشته شوید. به نظرم این کشیدن نقش مار است. ما می خواهیم راه حلی را برای کشور پیدا کنیم. تمام سناریوهایی که در ذهنم می آید، نتیجه اش سیاهی برای ملت است. فقط و فقط یک راه داریم، یک خودآگاهی ملی شکل بگیرد. هر گونه راه حلی که بر مبنای واقعیت باشد را باید تن دهیم. بحث ها در جامعه ما پوپولیستی شده و من از احمد می خواهم که کنار من باشد. احمد می گوید من از حرف های عبدالکریمی وحشت کردم. احمد یک حرف جدی دارد، می گوید چرا ما نمی توانیم مثل بقیه کشورها مانند آدم زندگی کنیم.

«دکتر عبدالکریمی می گوید، شرایط جنگی است و من به عنوان کنشگر عرصه عمومی آماده باش داده ام.

زیدآبادی: اختلاف ما در برخی از بنیادهاست، وگر نه هر صحبتی که می شود، جنبه های واقع بینانه هم دارد. تصویر سیاهی که ایشان از وضعیت جهان ترسیم می کند، یک وضعیت امروزی نیست و تمام تاریخ بوده است. وقتی شما این شرایط را دارید، لاجرم باید در همین جهان زندگی کنید و وضعیتتان را بهبود ببخشید، چنانچه دیگران هم دارند انجام می دهند. همه کشورها راهی را برای پیشبرد کارشان پیدا کرده اند. ایران رایک استثنا مطلق فرض کردن که باید مقاومت کند و قدرتمند شود که بتواند از این شرایط فرار کند، درست نیست. از بخشی از شرایط مجموعه جهانی، فراری نیست، قدرت ما محدود است. در عین حال یک نقاط قوتی داریم که از آن طریق می توانیم درگیر شویم و یا تعامل کنیم. اگر همه این را به ابزارهای مادی و مقاومت نظامی، فروبکاهیم ما بازنده هستیم و وضعیت مان خراب تر هم می شود. آن کسی که می گوید چرا ما مثل بقیه کشورها نیستیم، حرف ساده ای نمی زند. خیلی چیزها اینجا طبیعی نیست، اینکه افرادی که نوعی مصالحه و تعامل را از موضع منطقی پیشنهاد می کنند، به این متهم کنیم که دنبال تسلیم هستند، ظالمانه است. خود من در جمهوری اسلامی چقدر حقوق ضایع شده است، خود آقای عبدالکریمی را هم خواستند از دانشگاه بیرون کنند. واکنش منطقی ما باید چه باشد؟ اتفاقاً همان اپوزیسیون می گوید احق نباش، با اینها درگیر شو و نگذار ظلم کنند. در سال ۱۴۰۱ که من مخالف حرکت های خیابانی و خشونت را بودم، این انتقادات بود که تو چرا خواستار تداوم حکومت هستی. بحث من این بود که کنشی که انجام می دهید، رنج ملت را بیشتر می کند. من وقتی به صحبت های آقای عبدالکریمی نگاه می کنم، یک نظام یکپارچه از نظام سلطه وجود دارد که تنها تبلور آن هم غره است. ما باید آنقدر

آگاه باشیم و این را بفهمیم که با اتکا به ابزارهای قدرتی که آقای عبدالکریمی می گوید، کار نکرده است و نگذاشتند راه های دیگر آزمایش شود.

«آقای دکتر معتقد است که شما نظرتان خیلی سفت و سخت است در حالی که ما می توانیم نوع دیگر هم برخورد کنیم.

عبدالکریمی: احمد سه معیار داد. معیارش این است که ما باید از تاریخ بیاموزیم. معیار دومش این است که راه حل های ما باید در این جهان، مانند دیگران باشد. معیار دیگر این است که ایران تافته جدا بافته از دیگران نیست. من این سه مورد را می پذیرم و از مردم می خواهم من را با همین معیارها مورد سنجش قرار دهند. در نوشته ای که احمد نوشته است، گفته که ۲۰۵ کشور در این جهان دارند مثل آدم زندگی می کنند، چرا ما با دیگران فرق داریم. ایران با جاهای دیگر خیلی فرق می کند؟ من هر روز به میدان تره بار می روم و زندگی را در آنجا جاری می بینم. کمتر کشوری را می بینید که مردم با چهار دست بارشان را بخرند. در پارک ها بروید، بوی کیاب همه جا را برداشته است. من چند کشور رفته ام. اتفاقاً کنشگران سیاسی مثل احمد هستند که می گویند ایران با همه جافرق دارد. در وجه فرهنگی؛ من در وجه فرهنگی و در جمهوری اسلامی یک آدم رانمی شناسم که مقوله فرهنگ را بشناسد. باید در شورای عالی انقلاب فرهنگی را گل بگیرند. در عرصه اجتماعی، امر اجتماعی فهمیده نشده است. در اقتصاد، جامعه یله و راها است. اما اینها ربطی به جبهه مقاومت ندارد. اگر ما آدم نداشتیم که فرهنگ را بفهمد، اگر افراد عقب افتاده ای از حوزه فکر کردند که می توانند حجاب را به زور سر دختران کنند، چه ربطی به سلیمانی دارد؟ می گوید چرا ما نمی توانیم مثل بقیه کشورها زندگی کنیم. کلمه «بقیه کشورها» خیلی کلی و عوامانه است. بچه ترم اولی رشته علوم سیاسی، این را می داند که در سیاست خارجی آمریکا اجماع وجود دارد. گروه اول کشورهایی هستند که ژئوپلیتیک و یا منابع طبیعی قابل توجهی ندارند، مثل رواندا. اما در همین آفریقا، کشورهایی وجود دارند که به لحاظ ژئوپلیتیک و ثروت مهم هستند، مثل لیبی که نفت دارد و در محلی قرار دارد که کشورها دور می زنند. گروه دیگر کشورهایی هستند موقعیت ژئوپلیتیک و منابع سرشار دارند و کنار آن عنصر اتمی دارند. با این کشورها آمریکا سطح روابطش را تنظیم می کند. برای مثال می توان به چین اشاره کرد که آمریکا تلاش می کند با آن رودررو نشود. گروه دیگر، کشورهایی هستند که موقعیت ژئوپلیتیک و منابع دارند و با آمریکا همسو هستند که می توان کشورهای اروپای شمالی را نام برد که به آمریکا باج می دهند و آمریکا هم به عنوان رهبر ناتو، امنیت آنها را تامین می کند. اما خود اروپایی ها که متحد آمریکا بودند، آرام آرام متوجه شدند که رابطه شان با آمریکا عادلانه نیست، لذا اتحادیه اروپا را تشکیل دادند ولی گفتند که ایران امت گراست. در این شرایط جهانی، برخی کشورها به نفع شان نیست که همراه آمریکا باشند. اینها مثل آدم زندگی می کنند و احساس می کنند که منافع ملی شان به خطر افتاده است. اینها ناچار هستند که به آمریکا باج بدهند و در همان حال، توهمین هم بشوند که می توان عربستان را نام برد. عربستانی که می گویم مثل آدم زندگی می کند، یک نما دارد، در کوچه و پس کوچه هایش یک چیز دیگر است و فقط با چند نما، احساس حقارت را در ما ایجاد می کند. گروه چهارم، کشورهایی هستند که از جانب آمریکایی ها، دشمن تلقی می شوند. مثل ایران، ونزوئلا و کوبا. ما، پایمان روی زمین است. در گروه یک نیستیم چون موقعیت ژئوپلیتیک و منابع طبیعی داریم. در گروه دوم هم نیستیم چون سلاح هسته ای نداریم، به همین دلیل سر ما می زنند چون بباب اتم نداریم. این آمریکا است که ما را در گروه چهارم قرار داده است. این چیزی نیست که ما بر اساس ایدئولوژی انتخاب کرده باشیم. در گروه دشمن آمریکا بودن سخت است و هزینه دارد. تمام کسانی که مانع اتمی شدن کشور شده اند، نگذاشتند ما از گروه چهارم به گروه دوم منتقل شویم. من همه اینها را محکوم می کنم. اینها از چیزی ناله می کنند که خودشان مقصر هستند. ما ۴۰ سال است که تلاش کرده ایم بچه خوبی باشیم اما نگذاشته اند. روشنفکران ناتویی، منافع ملی را قربانی فعالیت های جناحی کرده اند و چشم خودآگاهی ملت را کور کرده اند.

زیدآبادی: ۲۰۲ کشور داریم که هر کدام موقعیت خاص خودشان را دارند. الان قرن ۱۹ نیست که چند امپراتوری باشد و بقیه بفهمند که دنیا چه خبر است. هیچ کشوری را نمی توان نادیده گرفت و نوکر دیگری دانست. هر کسی محاسبه کرده که چطور بیشترین سود را ببرد. بحث محور مقاومت که می گویند، حرف از این است که برای چه تشکیل شده است؟ هدفش

